

وظیفه پیشگیری از جرم توسط پلیس در راستای توسعه امنیت پایدار در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

یوکابد رضایی

چکیده

از دیرباز اهمیت نیروهای پلیس که با نظم و امنیت کشور سروکار دارند، غیرقابل انکار بوده است و ضرورت این سازمان امنیتی بر کسی پوشیده نیست. همان طور که وقوع جرم از قدیم الایام و اجتماعی شدن زندگی افراد وجود داشته در کنار آن پیشگیری از جرم نیز برای کاهش جرائم احتمالی پدیدار گشته است. امنیت ملی و نظم عمومی بستر آرامش جامعه و فعالیت های اجتماعی انسان است. دولت ها به منظور برقراری امنیت اجتماعی و نگرهبانی از نظم عمومی توسط نهاد پلیس اقدام به پیشگیری از وقوع جرائم می نمایند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم مأموریت پاسداری از تمامیت ارضی کشور و نگرهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن را بر عهدهی سازمان پلیس نهاده است. پلیس به عنوان متولی اصلی نظم و امنیت در جامعه و عمل به وظیفه خطیر خود یعنی پیشگیری از وقوع جرم به عنوان بازوی اجرایی جامعه خواستار هر چه بیشتر امنیت و آرامش در اجتماع است که نتیجه آن حفظ ارزش های ملی و دینی و صیانت از فرهنگ اسلامی است. مقولهی مجرمیت امروزه در کنار دیگر معضلات اجتماعی به یکی از منابع ظهور و گسترش احساس ناامنی در میان مردم تبدیل شده است. که تشدید این رفتارها منجر به اقدام های پلیس در جهت مبارزه با آسیب های اجتماعی و کاهش احساس ناامنی موجود می باشد.

واژگان کلیدی: پلیس، حفظ نظم و امنیت، پایدار در جامعه، وقوع جرم، پیشگیری از جرم

مقدمه

در بررسی فرهنگ لغت به ویژه فرهنگ‌های معتبر فارسی، واژه پلیس مترادف با کلماتی نظیر نظم، پاسبان، شهربانی... آمده، که اکثر این واژه‌ها در گذر زمان و در طول تاریخ اهمیت خود را از دست داده اند. براساس تعریفی که فرهنگ علوم سیاسی ارائه کرده است. سازمان پلیس را می‌توان یک سازمان دولتی دانست که وظیفه‌اش برقراری و حفظ امنیت عمومی، اجرای مقررات و نظارت اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرائم، تعقیب و کشف جرم، مبارزه با بزهکار و حمایت از بزه‌دیده و به‌طور کلی حفاظت از جان و مال و ناموس و شرافت مردم بر طبق قانون است. بر این اساس پلیس یک سازمان عصر مدرن است. با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت: واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی همواره به عنوان ضابط قضائی و با مأموریت کشف جرم، دستگیری بزهکاران و بطور کلی با واژه سرکوبی «جرم و مجرم» مرتبط و همراه بوده است. و بدین ترتیب نقش پلیس بطور سنتی فقط در چهارچوب نظام کیفری تصور می‌شده است. لیکن به موازات تأکید یافته‌های جرم‌شناختی به فایده و اثر پیشگیری در کاهش میزان جرائم از یک‌سو و پذیرش نظری و عملی نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست جنایی در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی از سوی دیگر اشکال جدیدی از مأموریت و وظیفه پلیس در جامعه از آغاز سال‌های هفتاد میلادی ایجاد و مطرح شده است.

بخش اول: سیاست جنایی و ارتباط آن با ایفای نقش پیشگیرانه پلیس

در حقیقت پیشگیری از وقوع جرم مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کج‌روانه و ناهنجاری اجتماعی است و جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورهای مختلف دارد. برخی بر این باورند که پیشگیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش دهد بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار بر جرم را شناسایی کرده و از سوی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال کند. سیاست جنایی یعنی سازمان بخشیدن سنجیده و مطالعه شده به مبارزه علیه بزهکاری است که قانون‌گذار آن را قبلاً جرم دانسته است و این مبارزه از طریق وسایل مختلف و با اهداف روشن انجام

می‌گیرد! کریستن لارزژ در این رابطه عقیده دارد: اگر سیاست جنایی را علم و هنر تبیین پیشگیری و سرکوب‌گری جرم بدانیم پیشگیری‌های معطوف به اجتماع و نهاد های آن مسلماً در زمره یک سیاست جنایی مشارکتی یعنی سیاست جنایی که مستلزم الحاق و پیوستن مردم و همکاری آنها در مراحل تدوین و اجرای هر سیاست جنایی است، خواهد بود. با توجه به اینکه پلیس نقش تأثیرگذاری در سیاست جنایی اکثر کشورهای دنیا دارد و در واقع حضور آن برای پیاده‌سازی اهداف سیاست جنایی انکارناپذیر است. در این گفتار دربند اول به تشریح سیاست جنایی و تأثیر آن در پیشگیری از جرم و در بند دوم ارتباط سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند اول: سیاست جنایی و تأثیر آن در پیشگیری از جرم

«اصطلاح سیاست جنایی برای نخستین بار در اواخر قرن هجدهم میلادی توسط آنسلم فون فویرباخ حقوقدان آلمانی به کار برده شد. تعریف وی از سیاست جنایی چنین بود: مجموعه روش‌های سرکوب‌کننده‌ای که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد» از دید وی سیاست جنایی محدود به واکنش‌های سرکوب‌گرانه دولت در برابر جرم بود. در طول زمان با توجه به ظهور مکاتب مختلف حقوقی و فلسفی به تدریج این تعریف توسعه پیدا کرد به نحوی که برداشت امروزی از سیاست جنایی با برداشت فویرباخ تفاوت زیادی پیدا کرده است.^۳ در رابطه با سیاست جنایی تعاریف متعددی ارائه گردیده است، که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

پیناتل:^۴ سیاست جنایی را حاصل ارتباطی می‌داند که از عقاید علمای دو دانش جرم‌شناسی و حقوق و هماهنگی وسیع بین دو دانش ناشی شده است.

مارک آنسل سیاست جنایی را «واکنش سازمان‌یافته و سنجیده جامعه در مقابل اعمال مجرمانه یا ضد اجتماعی می‌داند.»

خانم کریستن لارزژ آن را «غور و تفحص منتقدانه و علت‌یابانه پیرامون پدیده مجرمانه، رمزپایی پدیده مجرمانه و وسایل به کار گرفته شده برای مبارزه علیه رفتارهای انحرافی یا

۱. لارزژ، کریستن، سیاست جنایی، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی، نشر یلدا، ۱۳۷۵، ص ۹
Geason, susan and Wilson, paul R , crime prevention 1988, p.1.

۱. بیات، بهرام، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴

۲. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی، ص ۲۶۳

مجرمانه و نیز یک راهبرد حقوقی و اجتماعی مبتنی بر مبنای برگزیده عقیدتی با هدف پاسخ‌دهی واقع‌گرایانه به مسائل و مقتضیات پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه به معنای وسیع کلمه می‌داند.^۱ سیاست جنایی به معنای امروزی بسیار پیچیده بوده و جنبه علمی و هنری دارد. در واقع سیاست جنایی علمی است نه جرمی. سیاست جنایی پویا است نه ایستا و جنبه قانونی و هنجاری دارد. زیرا این سیاست بر اساس قانون به اعمال آن می‌پردازند. لذا طی دو قرن گذشته از حالت سرکوب‌گرانه به حالت اجتماعی رسیده است. سیاست جنایی جهت مبارزه با جرم مطرح نبوده بلکه سیاست اجتماعی مبتنی بر پیشگیری از جرم و بازداشتن اشخاص از ارتکاب بزه از طریق برنامه‌ریزی در مورد شهرسازی و مسائل پیرامون آن مطرح است با این توصیف روشن می‌شود که این گرایش از حالت کیفری خارج شده و تنوع بیشتری در آن دیده می‌شود. امروزه سیاست جنایی در کشورها نقش کنترل بزهکاری را بر عهده دارد. به عبارت دیگر پدیده مجرمانه را برای مردم قابل تحمل کرده است و از میزان جرم کاسته یا ریشه کن می‌نماید. بنابراین نبود سیاست جنایی هرج و مرج در جامعه است. به‌طور خلاصه می‌توان این چنین بیان کرد، که کلیه مسائل مربوط به جرائم و مجازات‌ها و همچنین مسئله مهم دنیای امروز یعنی مسئله پیشگیری از جرم نیز جزء سیاست جنایی محسوب می‌گردد. وظیفه اصلی سیاست جنایی در یک کشور عبارت است از: کنترل بزهکاری آن کشور یعنی مهار کردن در محدوده‌های قابل تحمل و در صورت امکان تقلیل یک سلسله رفتارهای بسیار متنوع که شدیداً مانع پیشرفت و ترقی موزون یک جامعه می‌شوند یا آن جامعه را محکوم به نوعی پسروی می‌کند. یا حتی بقاء آن را در معرض خطر قرار می‌دهند. بدیهی است که محرومیت از یک سیاست جنایی سنجیده و مناسب موجب هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه می‌شود. سیاست جنایی پیشگیرانه را می‌توانیم به اختصار: سیاست ناظر بر پیشگیری از پدیده مجرمانه به نامیم. سیاست جنایی پیشگیرانه عبارت از مجموعه روش‌هایی است که به‌وسیله آنها بدنه اجتماعی نسبت به پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و انحراف اقدام نموده و سپس تدابیر لازم را برای حذف یا کاهش آنها اعمال می‌کند. در پایان این بحث برای جمع‌بندی آن می‌توان گفت: که اصطلاح سیاست جنایی که از زمان ورود به عرصه حقوق کیفری تا به امروز فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و

۱. لارژ، کریستن، سیاست جنایی، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی، نشر یلدا ۱۳۵۵-ص ۱۱

به وسیله دانشمندان و حقوقدانان با توجه به اقتضای زمان خود تعاریف گوناگون شده است، تا به اکنون به معنای پیشگیری از وقوع جرم تعبیر گردیده است. میسر است که کشورها با اتخاذ تدابیر صحیح و منطقی و با همکاری سازمان های دولتی، غیردولتی بالاخص نهاد پلیس بتوانند به این وظیفه خطیر خود یعنی پیشگیری از وقوع جرم هر چه بیشتر نزدیک شوند.

بند دوم: ارتباط سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس

همانطور که در بند قبل در رابطه با سیاست جنایی و همچنین تعاریفی که از سوی دانشمندان و حقوقدانان ارائه شد. در همان راستا ارتباط سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجایی که سیاست جنایی با گذر زمان و حضور مکاتب مختلف در ابتدا بیشتر به معنای واکنش سرکوب گرانه تعبیر می شده و رفته رفته به معنای امروزی آن که بیشتر جنبه پیشگیری از وقوع جرم دارد، می باشد. دیدگاه پلیس نیز همانند سیاست جنایی با گذر زمان تغییر یافته که به طور مختصر به شرح دو دیدگاه پلیسی در این رابطه می پردازیم.

الف) دیدگاه پلیس سنتی: در این دیدگاه پلیس مؤسسه ای دولتی است، که اساساً مسئول اجرای قانون است. و نقش پلیس در جامعه در حل مشکلات جرم و جنایت خلاصه می شود. موقعیت پلیس در این سیستم ها به وسیله میزان کشف و دستگیری سنجیده می شود و اولویت کار پلیس برخورد با جرائم مالی شدید یا جرائم توأم با خشونت است. پلیس واکنش فوری و مؤثر در قبال جرائم جدی نشان می دهد. در پلیس سنتی پیشگیری از جرم اغلب بر تعبیر تکنیک های اعمال قانون، مانند: تحول حقوق جزا با سیاست کیفری و شیوه های عملیاتی پلیس تمرکز داشته است. اما علی رغم تداوم این اقدامات انتظامی کماکان ناکافی به صورت روند افزایش نرخ جرائم وجود دارد. دیدگاه پلیس جامعه محور: پلیس جامعه محور نوعی الگوی پلیسی است، که به دنبال ارتقاء روابط بین پلیس و جامعه در ریشه کنی جرم و ناامنی است. نمود خارجی پلیس جامعه محور ظهور پلیس در دسترس و مجاور است. این الگو مبتنی بر تفکر برقراری مشارکت مؤثر بین پلیس و جامعه برای تأمین امنیت و حفظ نظم و پیشگیری از وقوع جرائم است. یک نیروی پلیس قابل دسترس و نزدیک با مردم به اصول جامعه محلی معتقد است و با حضور به موقع، درصد زیادی از جرائم اجتماعی را

کاهش می‌دهد. پلیس در نقش ضابط قضایی عهده‌دار امر پیشگیری انتظامی است و در چهارچوب قانون و بر اساس سیاست کیفری عمل می‌کند. امروزه با تغییر نگرش پلیس و گرایش بیشتر به سمت پیشگیری از جرم به روش‌های جدید (پیشگیری وضعی، اجتماعی) در میان عوامل اجرایی دولت بیشترین نقش را به‌ویژه در زمینه پیشگیری وضعی از جرم بر عهده دارد. علت این امر آن است، که پلیس در برخورد و تقابل سیستم با اعمال مجرمانه قرار دارد بدیهی است که به واسطه لمس موضوع از راهکارهای پیشگرا نه و بهتر و بیشتر از سایر مراجع مطلع باشد. طی دو دهه گذشته نیروهای پلیس تحولات اساسی را پشت سر نهاده‌اند. بسیاری از نیروهای پلیس تدریجاً غیرنظامی شده‌اند، مابقی نیروهای پلیس غیر متمرکز شده‌اند تا بیشتر در دسترس بوده و کارایی داشته باشند. همچنین نیروهای پلیس رویکردهای جدیدی را برای پاسخ به انتظارات عمومی و انجام تغییرات پایدار و شرایطی که جرم و ناامنی را ایجاد می‌کنند در پیش گرفته‌اند.

پلیس به عنوان نهاد پیشتاز جامعه، وسیله ایجاد انسجام اجتماعی است و می‌تواند اقدام به پیشگیری از جرم کند. برای پلیس نقش سه‌وجهی پیشگیری و اعمال قانون و برقراری نظم و انسجام جامعه لحاظ شده است و از اینجا روشن می‌شود، که پلیس نه تنها در بعد اجرای قانون بلکه در دو بعد دیگر هم باید نقش خود را ایفاء کند. بدین ترتیب گستره مداخله پلیس به مجرمین و مظنونین به ارتکاب جرم محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه جمعیت و شهروندان را در بر می‌گیرد. همان‌طور که در زمینه بهداشت و سلامت نیز، اقدام پیشگیرانه فقط شامل بیماران نیست. البته این رویکرد پیشگیرانه پلیس مستلزم داشتن اطلاعات کافی است. اطلاع از تمام زوایا و جوانب موضوعات اجتماعی، از تهدیدات و خطرات احتمالی... زیرا شرط واقعی مبارزه با بزهکاری داشتن اطلاعات دقیق از گروه‌های اجتماعی (در خطر) که بر حسب زمان ممکن است بزه دیده یا بزهکار گردند، می‌باشد. با توجه به توضیحات فوق در خلاصه کلام می‌توان گفت: پلیس با اعمال سیاست جنایی نوینی که همگام با دنیای امروز باشد و تدابیر انتظامی و امنیتی که در راستای اهداف بلند مدت خود یعنی توسعه امنیت پایدار به کار می‌بندد تنها به دنبال تثبیت جایگاه خود و برقراری هرچه بیشتر نظم و امنیت

۲. محمد نسل، غلامرضا، پلیس و پیشگیری از جرم، مجموعه مقالات، نشر تحقیقات کاربردی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰

در سطح جامعه است. امید است که با برقراری ارتباطی منطقی میان سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس که هر دو در یک مسیر در حال حرکت می‌باشند به جامعه ای ایده‌آل و آرمانی که خواسته همه دولت‌مردان و کشورها از جمله (کشور ایران) می‌باشد، دست یابد.

بخش دوم: وظیفه پیشگیری از جرم پلیس در راستای توسعه امنیت پایدار

پلیس در کشورهای گوناگون وابسته به سازمان‌ها و وزارتخانه‌هایی مانند شهرداری، دادگستری و وزارت کشور است. بنابراین پلیس در تمام دنیا هم‌زمان با تغییر و تحولات اجتماعی، سازمان خود را متناسب با تغییرات سازماندهی می‌کند. امروزه تعدد و تنوع وظایف پلیس به حدی است، که هر بخش تحت نظر ارگان خاصی از نیروی انتظامی اداره می‌شود. از جمله وظایف مهم آن می‌توان به وظایف انتظامی، وظایف امنیتی، وظایف ضابطی، وظایف خدماتی، وظایف نظامی، وظایف اجتماعی، اشاره نمود.

بند اول: پیشگیری انتظامی

پیشگیری از وقوع جرائم و فروافتادن در ورطه جرم و گناه یکی از آمال و آرمان‌های تمام جوامع بشری است. رشد روز افزون و پیشگیری‌های خاص جرائم و پایین آمدن سن ارتکاب جرم از عواملی است که بر اهمیت و ضرورت توجه به پیشگیری انتظامی می‌افزاید. پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی عمومی و نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیشگیری پلیس است که بایستی رویکردی جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند. زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی، پیش جنایی توسط پلیس است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان پیشگیری انتظامی را اینگونه تعریف نمود: مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله قبل از وقوع جرم و مداخله پس از وقوع، درصدد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است. امروزه کنترل و مداخله در بحران‌ها از سوی پلیس تنها از دیدگاه وظایف سنتی پلیس مبتنی بر کشف و سرکوب توجه نمی‌شود، بلکه این امر مبتنی بر استفاده از رویکرد پیشگیری انتظامی است. در واقع پلیس مسئول برقراری نظم و

امنیت در کشور است. این وظیفه به عنوان رکن اساسی فعالیت این نیرو محسوب می‌گردد. از این منظر می‌توان به برخی از وظایف نظیر جلوگیری از وقوع جرم، برقراری نظم و اجرای قانون و مقررات، حراست از برخی از اماکن و پیشگیری از هرگونه خرابکاری... اشاره کرد. لجرسه اصلی فعالیت انتظامی پلیس بستر جامعه است. در این خصوص رابرت اریکسون می‌گوید: آن‌ها به هنگام گرفتار شدن مردم در مشکلات روزمره، تصادف و قرار گرفتن در معرض آسیب‌های جنایی به کمک مردم می‌شتابند. آن‌ها در آیین‌های جمعی، ملی و رخدادهای ورزشی، تظاهرات و تمرین‌های نظامی دیده می‌شوند. آن‌ها را در سیاست‌های متحدالشکل در حال احترام به ارزش‌های اجتماعی و ملی مشاهده می‌کنیم. مأموران انتظامی کارگزاران صلح و نظم و یک دوست خوب هستند. وظایف پلیس در برقراری نظم و پیشگیری انتظامی را می‌توان در سه بند ذیل بیان نمود:

۱) افزایش حضور پلیس از طریق تأسیس ایستگاه‌ها یا پست‌ها یا گیشه‌های کوچک در چهار گوشه شهرها یا محله‌ها تعداد این دستگاه‌ها تابعی از میزان جمعیت و ابعاد جغرافیایی هر محل است. این ایستگاه پلیس با همکاری شهروندان داوطلب، مردم را در زمینه پیشگیری از بزهکاری توجیه و از روش‌های مختلف آن آگاه می‌کند. با بزه دیدگان همدردی و آنان را از نظر قضایی راهنمایی می‌کنند و با کسبه‌ی محل، افراد و نیز نوجوانان محل تماس مستقیم برقرار می‌نمایند.

۲) تقویت رؤیت‌پذیری پلیس از طریق برقراری گشت‌های پیاده یا سوار یا گشت‌های مختلط در نقاط حساس یا محله‌های مختلف در کلان‌شهرها یا در حومه‌های آن‌ها.

۳) ایجاد کمیته‌های مشورتی شهروندان در ادارات پلیس یا کلانتری‌ها در سطح شهر یا محله با مشارکت نمایندگان تشکل‌های مردمی و گروه‌های علاقمند به حل و فصل مسائل مربوط ناشی از بزهکاری از جمله مهار بزهکاری متناسب با محل.

در راستای رویکرد پیشگیری انتظامی و تحقق اهداف پیشگیری از وقوع جرم می‌توان با استفاده از مدل‌های جدید پیشگیری اعم از پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی به این صورت که با افزایش نیروی انتظامی، حضور به موقع در مکان‌های بالقوه وقوع جرم و

۱. پیشین، ص ۱۳۸

۲. ریچاردوی، اریکسون، ۱۹۹۷، ص ۳

همچنین حضور در زمان‌های ازدیاد جرم تا حد زیادی از تعداد جرائم احتمالی بکاهد. بر همین اساس پلیس برای رسیدن به این مهم نیاز به ابزاری دارد که هرچه زودتر به واسطه آنان به هدف خود نائل آید. بنابراین از رویکردهای جدید پلیس در زمینه پیشگیری انتظامی می‌توان ۱- رویکرد مشارکت‌پذیری و شهروندمداری ۲- رویکرد سرعت‌پذیری و دقت در مداخله ۳- رویکرد تفکیک‌پذیری ۴- رویکرد آموزشی اشاره نمود، که به‌طور اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف: رویکرد مشارکت‌پذیری و شهروندمداری

در پیشگیری انتظامی سعی بر آن است، که با به‌کارگیری شیوه‌های جلب مشارکت مردمی، در ایجاد نظم و امنیت استفاده شود و حفظ نظم و امنیت از یک پدیده رسمی و آمرانه به یک پدیده مشارکت محور تبدیل شود. و همچنین در راستای شهروندمداری پلیس سنتی با تأکید بر ایجاد امنیت در جهت تحقق یک جامعه حرکت کند. اینک ما در مقابل امنیت مداری پلیس سنتی با رویکرد پیشگیرانه مدعی حفظ حقوق شهروندی و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی هستیم. از این رویکرد با تأکید بر جنبه‌های کنشی نهاد پلیس هدفی، همچون حفظ امنیت، به تدریج به حفظ نظم تبدیل شده و حقوق شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیده است. در خصوص مبانی و منابع این رویکرد در نظام پلیسی ایران می‌توان به قانون حقوق شهروندی اشاره نمود.

ب: رویکرد سرعت‌پذیری و دقت در مداخله

مداخله پلیس در بحران‌های اجتماعی یکی از راهکارهای کاهش تلفات و هزینه‌هاست. اما مداخله پلیس در بحران‌های اجتماعی باید مبتنی بر سرعت‌پذیری و دقت در تصمیمات باشد. زیرا کندی نیروهای پلیس و تصمیمات نادرست آنها نه تنها باعث کاهش تلفات و هزینه‌ها نمی‌گردد، بلکه می‌تواند منجر به افزایش اثرات و تبعات این گونه بحران‌ها گردد.

ج: رویکرد تفکیک‌پذیری

نیروی پلیس برای تحقق اهداف پیشگیرانه باید از یک سیاست افتراقی در مورد مخاطبان خود استفاده نماید. این سیاست افتراقی که در حوزه فعالیت‌های پلیسی اعمال می‌گردد، و مبتنی بر یافته‌های جرم‌شناختی است، تحت عنوان سیاست افتراقی انتظامی مشخص می‌گردد. مطابق با سیاست افتراقی انتظامی تخصص‌های لازم برای مواجهه با کودکان و

نوجوانان و همچنین مهارت‌های لازم برای تعامل با زنان، متفاوت است از آنچه برای مردان مناسب تلقی می‌شود.

د: رویکرد آموزشی

در پلیس سنتی نقش آموزش پلیس در روابط این نهاد با افراد جامعه بسیار کم‌رنگ است. اما در رویکرد پیشگیرانه یکی از شیوه‌های مناسب برای آموزش روش‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی به افراد جامعه، استفاده از نیروی پلیس به عنوان یک نهاد آموزشی است.

بند دوم: هشدارها و توصیه‌های پلیس

در دنیای امروز اطلاع‌رسانی، آگاهی دادن و بالا بردن قدرت شناخت و تشخیص مردم از مهم‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های دولت‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها برای رسیدن به اهداف مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است. تحقیقات نشان داده است، بسیاری از جرائمی که مجرمان مرتکب شده‌اند بر اثر عدم رعایت موازین ایمنی و یا سهل‌انگاری مردم و خانواده‌ها بوده است. عدم آگاهی مردم از قوانین و مقررات می‌تواند زمینه فعالیت مجرمین و بزهکاران را بیشتر کند. هشدار دادن، متذکر شدن و یادآوری نمودن پلیس و پذیرش هشدارها و عمل کردن به راهکارهای پلیس از جانب مردم همکاری و هماهنگی دوجانبه پلیس و اجتماع را بوجود می‌آورد. که از بهترین و مؤثرترین روش‌ها برای پیشگیری از وقوع جرائم است! مگر نه این است که یکی از بزرگ‌ترین اهداف هر دولتی برقراری نظم و امنیت است، مگر نه این است که سازمان پلیس قوی‌ترین و اصلی‌ترین بازوی اجرای عدالت کیفری و نیز هدف مهم‌تر از برقراری نظم و امنیت در کشور ندارد، بنابراین شایسته خواهد بود اگر پلیس برای مردم برنامه‌های آموزشی داشته باشد. مردم را از اینکه چگونه ممکن است. «بزه‌دیده» واقع شوند و مجنی‌علیه قرار بگیرند، آگاه سازد و راه‌های پیشگیری از جرائمی که احتمال دارد بر علیه ایشان مورد ارتکاب قرار گیرد، آموزش دهد.

بند سوم: موانع و محدودیت‌های پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم

شعار پلیس (پلیس حافظ جان و مال و ناموس و شرافت مردم است)

به استناد قانون و نیز شرح وظایف سازمانی پلیس وظیفه خطیر حفظ نظم و امنیت و آرامش مردم را بر عهده دارد. بنابراین شغل پلیس ایجاب می‌کند که با مردم در ارتباط باشد، ارتباط با مردم و خدمت به آنها مستلزم این است که پلیس شغل خودش را دوست بدارد و به آن عشق به ورزد و با انگیزه‌ای بالا خدمت شایسته خویش را ارائه بدهد.^۱ برای مثال: اگر کارگر یک کارخانه صنعتی انگیزه‌ای قوی برای انجام کار خود نداشته باشد، نتیجه منفی کم‌کاری یا بدکاری او متوجه صنعت و محصولات صنعتی آن کارخانه می‌شود. که به هر حال قابل جبران است. اما اگر پلیس که وظیفه‌اش خدمت به مردم است، انگیزه‌ای برای انجام وظیفه نداشته باشد و از روی دل‌سردی و بی‌میلی و بی‌تفاوتی کار کند، نتیجه سوء و منفی آن متوجه مردم می‌شود. که نه تنها جبران آن بسیار دشوار است، بلکه انعکاس نامطلوبی در سطح جامعه خواهد داشت. پرواضح است زمانی پلیس خواهد توانست در انجام وظیفه خطیر خود موفق باشد که از حداقل امکانات معقول برای زیستن بهره‌مند بوده و لاقلاً بطور نسبی از آرامش روحی و فکری برخوردار باشد. موانع و مشکلات زیادی می‌توانند موجبات عدم موفقیت پلیس در پیشگیری از وقوع جرم و برقراری نظم و امنیت جامعه مانند آن که همه این اقدامات در سایه انجام وظیفه خوب پلیس تحقق می‌یابد را فراهم آورند. از موانع و مشکلات که مانع انجام اهداف پلیس می‌شوند می‌توان ۱- انگیزه خدمتی پلیس ۲- اضطراب آور بودن شغل پلیس ۳- کمبود تجهیزات و امکانات اشاره نمود، که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) انگیزه خدمتی پلیس

اگر پلیس برای انجام وظیفه و خدمت به مردم انگیزه بالا نداشته باشد و عاشق خدمت به مردم نباشد، در محل کار خود، سطح شهرو جامعه حضور خواهد داشت، اما به گونه‌ای (غیرمفید، بدون بازدهی و بی‌تفاوت) مواردی که می‌تواند انگیزه خدمتی پلیس را تحت تأثیر قرار داده و وضعیتی را بوجود آورد که پلیس حضور غیر کارآمد داشته باشد عبارتند از:

- ۱- عدم تأمین جانی: پلیس شغل مخاطره‌آمیز دارد و می‌توان این حق را به پلیس داد که از نظر جانی چه در هنگام عملیات و چه غیر آن نگران جان خود باشد.
- ۲- عدم تأمین مالی: وضعیت حقوق، مسکن، امکانات رفاهی

^۱ همان منبع، ص ۳۳۶-۳۳۵

۳- عدم تأمین شغل: نگرانی از انتقالات نابهنگام و یا سالانه بدون اینکه پلیس کوچکترین اطلاعی و یا رضایتی داشته یا نداشته باشد. چه انتقالات داخل شهر چه از شهری به شهر دیگر.

۴- سختی و طاقت فرسا بودن کار پلیس: بخصوص در بخش‌های عملیاتی که بسیاری از موارد برای ایشان حقوق و مزایای فوق‌العاده منظور نمی‌گردد.

ب) اضطراب آور بودن شغل پلیسی

شاید بتوان اضطراب را به عنوان یکی از موانع موفقیت در ارائه خدمات خوب پلیس و بخصوص پیشگیری از جرم دانست. در نتیجه اگر داشتن اضطراب شخصی را از کار سازنده بازداشته و او را دست پاچه کرده و غرق در اندیشه‌های نگران‌کننده نماید، نه تنها کار آرائی مفیدی نخواهد داشت که زیان‌آور هم خواهد بود. بعضی از علت‌های اضطراب ممکن است در خود شخص باشد اما عمده‌ترین علل ایجاد اضطراب در افراد پلیس از ناحیه سازمان و پلیس می‌باشد. بعضی از عوامل اضطراب‌آور در شخص پلیس عبارتند از:

۱- کارشیفتگی

۲- داشتن یک ساختار نظامی

۳- احتیاج به سرکوب احساسات و رعایت فاصله روان‌شناختی

۴- بدگمانی پلیس

۵- عدم امکان مداخله و ابراز نظر در سیستم بوروکراسی پلیس

۶- احساس انزوای اجتماعی

۷- بازنشستگی

ج) کمبود تجهیزات و امکانات پلیس

شاید اگر به گوییم وسایل، امکانات و تجهیزاتی که می‌بایست در اختیار پلیس به‌خصوص آن دسته از پرسنل نیروی انتظامی که مستقیماً در سطح شهر با مردم در تماس هستند، به گشت‌زنی مشغولند و از وقوع جرائم پیشگیری می‌کنند، قرار گیرد. بسیار کمتر از میزان ایده‌آل و مطلوب است که پلیس پیشگیری بایستی به آنها مجهز باشد براساس واقعیات موجود اظهار نظر کرده‌ایم البته ممکن است وسایل و امکاناتی که در رده‌های فرماندهی و مدیریت مورد استفاده قرار می‌گیرد مجهز و سالم و مرتب باشد از قبیل اتومبیل‌های فرم و

نیز ساختمان‌ها، میزها، بی‌سیم‌ها و تلفن مانند آن اما این امکانات در رده‌های پایین سازمان بخصوص کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها که عمدتاً بعنوان پیشگیری‌کننده از جرائم و بزهکاری محسوب می‌شوند، موجود نیست. بنابراین در مجموع می‌توان این گونه بیان کرد، باید نیروی انتظامی را مجهز کرده تا با اقتدار بیشتر آرامش را از سارقان بگیرد و اجازه ندهد که مال و دارایی مردم را به سرقت ببرند.

نتیجه‌گیری

جهت‌گیری فعالیت‌های پلیس امروزه تغییر کرده و پلیس بعضاً به بررسی نقش تعارض فرهنگ‌ها می‌پردازد. به طوری که در این خصوص از پلیس اجتماعی سخن به میان می‌آید. به طوری که این تحول بی‌ارتباط با تحول سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه مدرن و افول مکانیزم‌های خود کنترلی نمی‌باشد. که این نیز به کم‌رنگ شدن درونی و اخلاقی ارتباط پیدا می‌کند. البته این رویکرد پیشگیرانه پلیس مستلزم داشتن اطلاعات کافی است. اطلاع از تمام زوایا و جوانب موضوعات اجتماعی از تهدیدات و خطرات احتمالی و... زیرا شرط واقعی مبارزه با بزه‌کاری داشتن اطلاعات دقیق از گروه‌های اجتماعی در خطر که بر حسب زمان ممکن است بزه‌دیده یا بزه‌کار گردند، می‌باشد. آنچه در کشور ما در زمینه پیشگیری از جرم و بزه‌کاری محسوس است عدم وجود یک نهاد ویژه و مردمی منسجم و مسئول در قلمرو مشارکت مردمی است که توانایی سازمان دادن به این مشارکت و هماهنگی با نهادهای دولتی و تحقیق و تفحص در این زمینه را داشته باشد. امروزه وقوع جرائم و نحوه ارتکاب آن توسط مرتکبین، شکل جدیدی به خود گرفته‌اند، که همین امر سبب شده که بررسی‌های دقیق و کارشناسانه‌ای صورت گیرد تا همسو با وقوع این جرائم پیشگیری‌های صحیح و منطقی صورت گیرد. بنابراین به عنوان یک راه‌حل اساسی برای این موضوع پیشنهاد می‌گردد اقدام به تأسیس نهادی تحت عنوان (سازمان ملی پیشگیری از وقوع جرائم) گردد. که هیئت‌رئیس آن از جرم‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان انتخاب شوند و هر سه قوه (مقننه، قضائیه، مجریه) عضو هیئت‌رئیس باشند، به طوری که این نهاد جهت جلوگیری از هرگونه تعارض به صورت اشتراکی به وسیله نمایندگان دولت و مردم اداره گردد. به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه است. پیشنهاد مطرح شده به فرض عملی بودن

موجب ایجاد صلاحیت مضاعف و موازی است. ضمن آنکه موجب تداخل قوا بوده و با اصل تفکیک قوا در تعارض است، منتها این پیشنهاد را می‌توان با توسعه مراکز تحقیقاتی زیر نظر قوه قضائیه کاربردی ساخت.



منابع و ماخذ

- ۱- ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۰، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، نشر میزان.
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۷۰، مبانی سیاست، انتشارات توس، چاپ ششم.
- ۳- ایرانشاهی، حمید، ۱۳۹۰، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جنگل.
- ۴- بیات، بهرام، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- ۵- بکاریا، سزار، ۱۳۷۴، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، معرفی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)
- ۷- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، راهنمای ده‌گامی پلیس فتا برای تأمین امنیت آنلاین خانواده
- ۸- پلیس فتای استان اصفهان، ۱۳۹۱، کتابچه، جرائم رایانه‌ای و مصادیق جرائم رایانه‌ای در ایران
- ۹- پیکا، ژرژ، ۱۳۸۶، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- پیکا، ژرژ، ۱۳۷۰، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- پیکا، ژرژ، ۱۳۹۰، جرم‌شناسی، ترجمه، علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم.
- ۱۲- جلالی فراهانی، امیرحسین، ۱۳۸۹، کنوانسیون جرائم سایبروپروتکل الحاقی آن، انتشارات خرسندی.
- ۱۳- جینادی، آنجلیز، ۱۳۸۳، جرائم سایبر، ترجمه سعیدحافظی و عبدالصمد خرم‌آبادی، چاپ اول دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
- ۱۴- خوئی، ابولقاسم، ۱۳۷۱، تکلمه المنهاج، نجف، مطبوعه الاداب، بی‌تا.
- ۱۵- ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان‌الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، جلد ۱۱.

- ۱۶- زندگی، محمدرضا، ۱۳۸۹، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، انتشارات جنگل.
- ۱۷- سرهنگ خسروی، ستار، ۱۳۹۱، پاورپوینت، شبکه‌های اجتماعی مجازی، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان اصفهان
- ۱۸- صدوق، محمد بن علی، من لایحفیره الفقیه، ج ۴.
- ۱۹- عاملی، سیدسعیدرضا، ۱۳۹۰، رویکرد قضایی به آسیب‌ها، جرائم و قوانین و سیاست‌های فضای مجازی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۲۰- گسن، ریموند، ۱۳۷۰، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا.
- ۲۱- لارز، کریستن، ۱۳۷۵، سیاست جنایی، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی، نشر یلدا.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالحیا التراث ۱۴۰، ه.ق- ج ۲۱.
- ۲۳- مشیری، مهشید، ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی، انتشارات سروش.
- ۲۴- مظلومان، رضا، جامعه‌شناسی کیفری، ۲۵۳۵، دانشگاه تهران.
- ۲۵- معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- موسی‌الخمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸، مستند تحریر الوسیله، موسسه تنظیم آثار امام خمینی